

جایگاه امامت و ولایت در نظام هستی*

با توجه به سخنان امام رضا علیه السلام

□ حجت الاسلام محمدعارف صداقت
طلبه سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه

چکیده

در این مقاله به بررسی جایگاه امامت و ولایت در نظام هستی در خلال سخنان امام رضا علیه السلام پرداخته ایم. در کلام امام رضا علیه السلام، امامت و ولایت جایگاهی بسیار والا در هستی دارد، زیرا آن حضرت، امام را به خورشید و ماه تشبیه می کند که اگر یک لحظه از تابیدن دریغ ورزند، نظامی در عالم و هستی نخواهد بود. همان گونه که خورشید و ماه سبب نظام زندگی در زمین است، امامت و ولایت سبب بقا و نظام هستی است و هدف از آفرینش موجودات، خدمت به انسان کامل است که مصداق آن، ولی و امام یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام هستند. از این رو، اگر امام و انسان کامل نمی بود، خداوند افلاک را نمی آفرید. همان گونه که اگر خورشید نمی بود، زندگی انسانها به خطر می افتاد و کره زمین به جایگاه میکروبها و بیماریها تبدیل می شد؛ اگر امام نمی بود، حیات معنوی بلکه حیات مادی برای انسان و دیگر جانداران وجود نداشت و زمین اهلش را در خود فرو می برد؛ اگر امامت و ولایت نبود، حلال و حرام باقی نمی ماند؛ اگر امام و ولی نبود، فلسفه

*. وصول: ۱۳۸۸/۸/۹؛ تصویب: ۱۳۸۸/۱۲/۴.

خلقت ناگفته می ماند و انسانها به سوی قهقرا در حرکت بودند و همان گونه که در قرآن کریم آمده است، بدون امامت و ولایت، دین کامل نمی شد.

تشبیه دیگری که امام رضا علیه السلام فرموده است، تشبیه امام به آب گواراست. زندگی انسان و بسیاری از جانداران و گیاهان با آب تأمین می گردد و نظافت و بهداشت به وسیله این مایع ارزشمند رعایت می شود؛ اگر آب نبود، حیات نبود. معصوم نیز رابطه باطنی عالم هستی و امام و ولی را از نوع رابطه آب گوارا با انسان می داند که اگر امام نمی بود، دیگر انسان زنده نبود و هم حیات مادی از او گرفته می شد و هم حیات معنوی.

ناگفته پیداست که این تشبیهات از باب تشبیه معقول به محسوس است. امام رضا علیه السلام نیز خواسته است از تشبیه استفاده کند تا انسانها بتوانند با عقل ناقصشان حقایق را درک کنند، و گرنه خورشید، ماه و آب بلکه همه موجودات در سایه امام و ولی به وجود می آیند، چنان که خداوند منان در حدیث شریف قدسی به آن اشاره فرموده است.

کلیدواژه‌ها: ولایت، امامت، نظام، نظم، هستی، خورشید، ماه، آب.

مقدمه

بدون شک سخن گفتن از «جایگاه ولایت و امامت در نظام هستی»، بسیار مشکل است، مگر اینکه آدمی از سخنان معصوم بهره گیرد. امام معصوم با چشم تیزبین باطنی، حقایق را تماشا می‌کند و آنگاه با زبان مردم و به اندازه فهم آنان حقایق را بیان می‌کند. از این رو، امام رضا علیه السلام در سخنان خویش امامت را به چیزهای محسوس تشبیه می‌کند تا شاگردانی که بسیاری از حقایق را در نمی‌یابند، با این تشبیهات، اندکی از حقیقت امامت و ولایت را بفهمند و آن را به اندازه توانشان درک کنند.

در این مقاله با توجه به سخن بلند امام رضا علیه السلام که در اصول کافی تحت عنوان «باب نادر جامع فی فضل الإمام و صفاته» آمده است، جایگاه امامت و ولایت را در نظام هستی بررسی می‌نماییم. در این باب چند حدیث آمده است که یکی از احادیث طولانی از امام رضا علیه السلام است که راجع به صفات و فضایل امام سخن می‌گوید. در این حدیث نکته‌های ظریف و زیبایی وجود دارد که در این مقاله تنها به برخی از آن موارد اشاره می‌کنیم.

امام رضا علیه السلام در این حدیث طولانی مقام امامت را بیان می‌فرماید. در بخشی از سخن آن امام عزیز، تشبیهاتی آمده که در آن، جایگاه امامت و ولایت در نظام هستی را بیان فرموده است. یکی از تشبیهات چنین است:

الإمام كالشمس الطالعة المجللة بنورها للعالم و هي في الأفق بحيث لا

تنالها الأيدي و الأبصار» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۱/ ۱۹۸)؛ امام مانند

خورشید فروزانی است که با نور خویش روشنایی می‌بخشد، در حالی

که خودش در افق قرار دارد و از دست و دیده انسانها بیرون است.

در سخن امام رضا علیه السلام، امام گاهی به خورشید تشبیه شده است و گاهی به ماه

که نظام زندگی انسان به آن دو بسته است و شب و روز را پدید می‌آورند. گاهی نیز

می فرماید حلال و حرام بدون امام اجرا نمی شود. گاهی می فرماید نظام دین و عزت مؤمنان و مسلمانان با وجود امام و امامت حفظ می شود. در برخی از موارد نیز امام را به آب گوارا تشبیه می کند. پیش از پرداختن به اصل مطلب و جایگاه امامت و ولایت در نظام هستی، و وجه تشبیهاتی که امام فرموده اند، باید چند واژه را در ذیل کلیات معنا کنیم.

در این مقاله پس از ذکر کلیات و مفاهیم، از میان تشبیهات امام رضا علیه السلام، به دلیل اختصار، تنها به سه مورد اشاره کرده ایم که تشبیه امام به خورشید، ماه و آب گواراست.

کلیات و مفاهیم

در ذیل این مبحث شایسته است که مفاهیم مورد نیاز روشن شود تا آنگاه به مباحث اصلی بپردازیم. تحت این عنوان، نظم و نظام، ولایت و امامت را بررسی می کنیم سپس به وجه شبه و در ادامه به بحث اصلی جایگاه امامت و ولایت در نظام هستی می پردازیم.

مفهوم نظم و نظام

نظم در لغت: نظم در ادبیات در برابر نثر قرار می گیرد، ولی در لغت به معنای ترکیب و نزدیک ساختن، ضمیمه کردن و پیوند دادن چیزی به چیز دیگر است. چنانچه بگویند: «به لؤلؤ نظم دادم» به معنای این است که آن را در رشته ای به هم گرد آوردم (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۵: ۵۷۸/۱۲).

نظم در اصطلاح: اگرچه در ظاهر معنای نظم، بسیار روشن به نظر می آید، اما در بیان آن تعریفهایی متفاوت ولی نزدیک به هم ارائه کرده اند که از آن میان تعریف ذیل را برگزیده ایم: مراد از نظم بیشتر همان هماهنگی است که در افعال و رفتار عناصر و اعضای مختلف یک مجموعه در تحصیل غرضی واحد مشهود است و این غرض به گونه ای است که در محدوده فعل و رفتار هیچ یک از عناصر و اعضا به

تنهایی قرار نمی‌گیرد (جوادی آملی، تبیین براهین اثبات خدا، ۱۳۷۵: ۲۳۰).
نظام: در تعبیر نظام نیز گفته‌اند: هر چیزی که امری بدان قائم باشد و پایه آن قرار گیرد، به آن نظام می‌گویند (دهخدا، فرهنگ دهخدا، ۱۳۷۳: ماده نظام).
بنابراین، نظام هستی یعنی امری که هستی بر آن استوار باشد و اگر آن امر و پدیده نباشد، بنیان هستی فرو می‌ریزد. در این مقاله باید دید امامت و ولایت در استوار نگاه داشتن هستی چه جایگاه و نقشی دارند.

مفهوم ولایت

ولی، مولی و ولایت از یک ماده‌اند که در لغت معانی بسیاری دارند. مرحوم علامه امینی همه معانی مولی را در کتاب گرانسنگ الغدیر گرد آورده است که به ۲۷ معنا می‌رسد و عبارت‌اند از: ۱. پروردگار؛ ۲. عمو؛ ۳. پسر عمو؛ ۴. پسر؛ ۵. پسر خواهر؛ ۶. برده آزاد شده؛ ۷. کسی که برده آزاد کند؛ ۸. برده؛ ۹. مالک؛ ۱۰. پیرو؛ ۱۱. کسی که نعمت داده شده است؛ ۱۲. شریک؛ ۱۳. هم‌سوگند؛ ۱۴. رفیق؛ ۱۵. همسایه؛ ۱۶. مهمان؛ ۱۷. داماد؛ ۱۸. نزدیک؛ ۱۹. نعمت دهنده؛ ۲۰. ناپدید شده؛ ۲۱. سرپرست؛ ۲۲. سزاوار به چیزی؛ ۲۳. آقای که نه مالک باشد و نه بنده آزاد کرده باشد. ۲۴. دوستدار؛ ۲۵. یاور؛ ۲۶. تصرف کننده در کار؛ ۲۷. عهده‌دار و سرپرست کار (امینی، الغدیر، ۱۳۹۷: ۱/۲۶۲).

مراد از ولی و امام در این مقاله انسان کاملی است که بر جانها و اموال ولایت دارد و مصداقش پیامبر و جانشینان واقعی آن حضرت‌اند که وظیفه دارند تا راهش را ادامه دهند و انسانها را به رستگاری برسانند. آنها دوازده خورشید تابناک از سلاله زهرا علیها السلام هستند. بنابراین، ولایت نیز به معنای سرپرستی انسانهای کامل است که نه تنها بر انسانها، بلکه بر همه هستی ولایت دارند.

مفهوم امامت

امامت در میان متکلمان شیعه به عنوان یک ریاست قدسی و معنوی و در عین حال دنیوی شناخته شده است که هدایت انسان را به عهده دارد. برخی در تعریف امامت گفته‌اند: «رئاسة عامة في الدين و الدنيا لشخص انساني خلافة عن النبي ﷺ» (فاضل مقداد، اللوامع الالهية في مباحث الكلامية ۱۳۱۰: ۳۱۹)؛ (امامت ریاست همگانی در امور دینی و دنیوی، برای یک فرد انسانی در جانشینی از پیامبر ﷺ است).

این تعریف هم محدوده امامت را بسیار گسترده و وسیع می‌سازد و هم برخی نکات دیگر را در بر دارد که در ذیل آن را بیان می‌کنیم:

۱. **گسترده‌گی در پیروان.** قید «ریاست همگانی»، گسترده‌گی بسیاری دارد، زیرا شامل مؤمن و کافر می‌شود. یعنی خواه کسی امامت را قبول کند یا نکند، خداوند این ریاست را به گردن او نهاده است. در صورت قبول همگانی، امام در اجرای وظیفه مسئولیت بیشتری دارد و در صورت نپذیرفتن مردم، امام وظیفه کمتری دارد، مانند زمان سکوت ۲۵ ساله امام علی ﷺ و دیگر امامان معصوم ﷺ.

۲. **گسترده‌گی در قلمرو.** از آنجا که قلمرو امامت، ریاست در امور دینی و دنیوی است، امام هم دنیای انسانها را درست می‌کند و هم آخرت آنان را در نظر دارد؛ به عبارتی امام هم سعادت دنیای انسان و هم سعادت آخرت انسان را تأمین می‌کند. او مانند یک رئیس جمهور نیست که تنها به امور دنیوی و در قلمرو خاص حکم فرما شود.

۳. **امام باید انسان باشد.** از آنجا که قید شخص انسانی آمده است، فرشته و جن نمی‌توانند امام باشند، بلکه امام باید از جنس بشر باشد.

۴. **امامت با نبوت فرق دارد.** امامت جانشینی است و امام، جانشین و ادامه دهنده راه و مبلغ دین پیامبر ﷺ است نه خود پیامبر؛ البته ممکن است پیامبر، امام نیز باشد، مانند حضرت ابراهیم که در قرآن به امامت آن حضرت اشاره فرموده است.^(۱)

با روشن شدن نسبی واژگان، لازم است پس از بیان اهمیت نظام هستی به بحث اصلی بپردازیم.

اهمیت نظام هستی

به دلیل اهمیت نظم و نظام و شگفت انگیز بودن آن در عالم، یکی از دلایل و براهین مهم برای اثبات خداوند، نظم موجود در جهان به حساب آمده است که از آن به «برهان نظم» یاد می‌شود. امام صادق علیه السلام برای اثبات خداوند در جاهای فراوان از برهان نظم استفاده می‌کند. در موارد متعدد وقتی سخن از دلایل توحید به میان می‌آید، امام نظام موجود در آفاق و انفس را بهترین دلیل می‌شمارد. گاهی از نظم در ساختمان بدن سخن می‌گوید که چگونه هر چیزی در جای خویش قرار گرفته است و چگونه خداوند شرمگاه انسان را در جای مناسب قرار داده است (نوری، مستدرک الوسائل ۱۴۰۱: ۱/ ۲۵۰؛ مجلسی، بحارالأنوار ۱۴۰۴: ۱۷/ ۱۹۳). گاهی نیز می‌فرماید: تدبیرگر عالم حتی در پست‌ترین چیزها ارزش فراوان نهاده است؛ حتی در فضولات که فواید بسیاری در رشد مواد غذایی دارند (نوری، همان: ۱/ ۲۵۰). در حدیث دیگری به مفضل می‌فرماید: به معادن و ذخایر موجود در زمین بیندیش که بسیاری از حاجات انسان را برآورده می‌سازند (نوری، پیشین ۱۳/ ۱۲۱؛ مجلسی، پیشین ۵۷/ ۱۱۶). در حدیثی، مفضل را به تأمل دربارهٔ قوهٔ ناطقهٔ انسان فرا می‌خواند که اخبار گذشتگان را برای ما منتقل و دیگران را از ضمیر ما آگاه می‌سازد و منشأ انتقال اطلاعات و پدید آمدن دانشهاست (نوری، پیشین ۱۳/ ۲۱۵). امام صادق علیه السلام در جای دیگری مفضل را به نظم موجود در ستارگان و نجوم حواله می‌دهد تا دلایل توحید را در آنجا بیابد. (مجلسی، پیشین: ۵۵/ ۹۱). گاهی نیز انسان را به اندیشه در نظام موجود در بارش باران و فعالیت منظم ابر می‌طلبد تا آثار قدرت خدا را در آنجا بیابد (مجلسی، پیشین: ۵۹/ ۳۱۵). گاهی نیز انسان را به دقت کردن در اعضای بدن دعوت می‌کند که چگونه هر کدام در جای مناسب و برای کار مطلوب و مناسب

آفریده شده است (مجلسی، پیشین: ۵۱ / ۳۲۰). آنچه یاد کردیم، نمونه‌هایی از نظام هستی است که امام صادق علیه السلام به عنوان دلایل توحید یاد کرده و برای اثبات وجود خداوند ارائه داده است تا انسان را به اندیشه و تفکر در آن فراخواند. اگر همه آنچه را در روایات آمده است، گرد آوریم، «مثنوی هفتاد من کاغذ شود».

خداوند نیز نظام موجود را با اهمیت تلقی فرموده و آن را نشانه، دلیل و برهان برای وجود خویش معرفی می‌نماید و گاهی به نظام آفاق و انفس اشاره می‌فرماید:

و فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (ذاریات: ۲۰ -

۲۱)؛ و روی زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی [متقاعد کننده] است، و

در خود شما؛ پس مگر نمی‌بینید؟

گاهی نیز نظام خورشید و ماه را از نشانه‌های خویش بر می‌شمارد:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (بقره: ۱۶۶)؛ راستی که در آفرینش آسمانها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، و کشتیهایی که در دریا روان‌اند با آنچه به مردم سود می‌رساند، و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده، و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده، و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده، و [نیز در] گردانیدن بادها، و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می‌اندیشند، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد.

این نظام شگفت‌انگیز نه تنها در آیات و روایات دارای اهمیت است و از دلایل اثبات خداوند به حساب آمده است، بلکه به تبع آنها، در شعر شاعران مسلمان نیز مهم جلوه کرده است که یکی از نمونه‌هایش را در ذیل مرور می‌کنیم. سعدی در وصف بهار قصیده‌ای زیبا دارد که در ضمن آن می‌سراید:

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
(سعدی، کلیات سعدی ۱۳۷۵: قصاید / ۴۸۱).

تشبیه امام به خورشید

همان‌گونه که در مقدمه یاد کردیم، در قسمتی از سخن امام رضا علیه السلام امام به خورشید تشبیه شده است:

الإمام كالشمس الطالعة المجللة بنورها للعالم و هي في الأفق بحيث لا
تنالها الأيدي و الأبصار (کلینی، همان: ۱ / ۱۹۸)؛ امام مانند خورشید
فروزانی است که با نور خویش روشنایی می‌بخشد؛ در حالی که
خودش در افق قرار دارد از دست و دیده انسانها بیرون است.

برای اینکه نقش امام در نظام هستی روشن گردد، باید دید خورشید چه نقشی
در نظام هستی دارد، زیرا نقش خورشید را همگان می‌بینند، ولی برخی از نقشهای
امام و ولی را باید با چشم باطن دید و از سخن معصوم باید شنید. بدین جهت در
ذیل به اختصار نقش خورشید در نظام هستی را بررسی می‌کنیم، آنگاه تشبیه امام نیز
روشن خواهد گشت.

اهمیت خورشید در قرآن

به دلیل اهمیت خورشید و ماه، خداوند به آن دو سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید:

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا (شمس: ۱ - ۲)؛ سوگند به

خورشید و تابندگی‌اش، سوگند به ماه چون بی [خورشید] رود.

معمولاً به چیزهایی سوگند می‌خورند که اهمیت دارد و خداوند نیز به دلیل
اهمیت داشتن ماه و خورشید به آن دو سوگند یاد کرده است، دلایل اهمیت
خورشید کم نیست، ولی برخی از فواید خورشید را، که دست دانش بشر به آن

رسیده است، در ذیل یاد می‌کنیم.

۱. نقش خورشید در نظام هستی

چون امام رضا در سخنان خویش امام را به خورشید تشبیه می‌کند، باید دید خورشید در نظام هستی چه نقشی دارد. برای اینکه نقش امام در نظام هستی مشخص شود، نخست باید نقش خورشید را در نظام هستی بدانیم. امام صادق علیه السلام نقش خورشید را چنین بیان می‌فرماید:

فَكَرَّ يَا مَعْزَلُ فِي طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ غُرُوبِهَا لِإِقَامَةِ دَوْلَتِي النَّهَارِ وَاللَّيْلِ فَلَوْ لَا طُلُوعُهَا لِبُطْلِ أَمْرِ الْعَالَمِ كُلِّهِ فَلَمْ يَكُنِ النَّاسُ يَسْعَوْنَ فِي مَعَايِشِهِمْ وَ يَتَصَرَّفُونَ فِي أُمُورِهِمْ وَ الدُّنْيَا مَظْلَمَةٌ عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَكُونُوا يَتَهَنَّتُونَ بِالْعَيْشِ مَعَ فَقْدِهِمْ لَذَّةَ النَّوْرِ وَ ... فَقَدَرَهَا اللَّهُ بِحِكْمَتِهِ وَ تَدْبِيرِهِ (مجلسی، پیشین: ۱۷۵ / ۵۵)؛ ای مفضل، در طلوع و غروب آفتاب بیندیش. آفریده شده‌اند تا دولت روز و شب را به پا دارند، اگر طلوع خورشید نبود، همه کارهای جهان به هم می‌خورد، مردم در زندگی‌شان تلاش نمی‌کردند و کارهایشان را انجام نمی‌دادند و دنیا بر آنان تاریک می‌بود و بدون لذت نور، زندگی گوارا نبود... خداوند با حکمت و تدبیر خویش چنین مقدر فرموده است.

امام و خورشید هر دو بقای هستی را تضمین می‌کنند. نور و انرژی خورشید در زمین برای زندگی انسانها و جانداران ضروری است. اگر خورشید نباشد، هیچ زنده جانی در زمین باقی نمی‌ماند. خورشید برای انسان نور افشانی می‌کند، بسترش را گرم می‌سازد، انواع گیاهان را برای او می‌رویاند، محیط زندگانی‌اش را از لوث میکروبهای مزاحم پاک می‌کند، شادی و سرور می‌آفریند و مسیر زندگی را به او نشان می‌دهد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ۱۳۶۱: ۱۰/ ۳۵۵).

۲. خورشید رمز بقای هستی، منبع رنگها و نابود کننده میکروبها

جایگاه خورشید در نظام هستی همواره برای بشر مطرح بوده است. از این رو، گاهی آن را به عنوان منشأ زندگی به پرستش گرفته‌اند که اکنون نیز این گروه پیروانی در جهان دارد. در آن روزگاری که دست بشر از برق و انرژی خالی بود، تنها خورشید و ماه بود که به انسان توان می‌داد تا در زندگی فعالیت کند. اگر نور خورشید در روز و انعکاس آن بر کره ماه در شب نبود، بشر نابود می‌شد و از شر درندگان در امان نبود. نیاز به خورشید برای رشد، کشاورزی، سلامت و بسیاری از جنبه‌های دیگر زندگی انسان به اثبات رسیده است. اکنون که بشر دوران طلایی دانش خویش را می‌گذراند، اهمیت خورشید در زندگی انسان بیشتر گردیده است. امروزه برای بشر روشن شده است که نور آفتاب که مهم‌ترین نور در دنیای ماست، پرورش دهنده گلها و گیاهان، بلکه رمز بقای همه موجودات زنده است و ممکن نیست موجودی بدون استفاده از نور (به طور مستقیم یا غیر مستقیم) زنده بماند.

امروز ثابت شده که تمام رنگهایی که ما می‌بینیم، نتیجه تابش نور آفتاب یا نورهای مشابه آن است و گرنه موجودات در تاریکی مطلق، رنگی ندارند. تمام انرژیهای موجود در محیط ما (به جز انرژی اتمی) همه از نور آفتاب سرچشمه می‌گیرد. حرکت بادهای، ریزش باران و حرکت نهرها و سیلها و آبشارها و بالاخره حرکت همه موجودات زنده با کمی دقت به نور آفتاب منتهی می‌شود.

سرچشمه گرما و حرارت و آنچه بستر موجودات را گرم نگه می‌دارد، همان نور آفتاب است. حتی گرمی آتش که از چوب درختان و یا زغال سنگ و یا نفت و مشتقات آن به دست می‌آید نیز از گرمی آفتاب است، چرا که همه اینها طبق تحقیقات علمی به گیاهان و حیواناتی باز می‌گردند که حرارت را از خورشید گرفته و در خود ذخیره کرده‌اند. بنابراین، حرکت موتورهای نیز از برکت آن است.

نور آفتاب نابود کننده انواع میکروبها و موجودات موذی است و اگر تابش اشعه

این نور پر برکت نبود، کره زمین تبدیل به بیمارستان بزرگی می‌شد که همه ساکنانش با مرگ دست به گریبان بودند (مکارم شیرازی، پیشین: ۱۴/۴۱۳).

خورشید عامل و منشأ انرژی‌های گوناگونی است که در طبیعت موجود است. سوخت‌های فسیلی که در اعماق زمین ذخیره شده‌اند، انرژی آبشارها و باد، نمو گیاهان که حیوانات و انسان برای رشد خود از آنها استفاده می‌کنند، کلیه مواد آلی که قابل تبدیل به انرژی حرارتی و مکانیکی هستند، امواج دریاها، قدرت جزر و مد که بر اساس جاذبه و حرکت زمین به دور خورشید و ماه حاصل می‌شود، اینها همه نمادهایی از انرژی خورشیدی هستند. از این رو، خورشید مهم‌ترین و سازنده‌ترین نقش را در زندگی انسان و تمام موجودات زنده زمینی دارد. زیرا علاوه بر اینکه منبع نور و حرارت است و این دو از عوامل اصلی زندگی انسان به شمار می‌روند، منابع دیگر حیاتی نیز از آن مایه می‌گیرند. وزش بادهای، نزول بارانها، پرورش گیاهان، حرکت رودخانه‌ها و آبشارها و حتی پدید آمدن منابع انرژی‌زا همچون نفت و زغال سنگ، هر کدام اگر درست دقت کنیم، به صورتی با نور آفتاب ارتباط دارند. اگر روزی این چراغ حیاتبخش خاموش گردد، تاریکی و سکوت و مرگ همه جا را فرا خواهد گرفت.

امام از این نظر، درست به خورشید می‌ماند که با اشعه زندگی بخش خود گیاهان را پرورش می‌دهد و به موجودات زنده، جان و حیات می‌بخشد. نقش امام در حیات معنوی نیز همین نقش است (مکارم شیرازی، پیشین: ۱/۴۲۱). اگر امام نباشد، نه خورشیدی در زمین می‌تابد و نه چرخ گردون به حرکت خویش ادامه می‌دهد زیرا هدف از آفرینش، انسان کامل است که مصداقش چهارده معصوم هستند. چنان‌که در حدیثی رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

و أن أبی آدم لما رأى اسمی و اسم علی و ابنتی فاطمة و الحسن و الحسين و أسماء أولادهم مكتوبة علی ساق العرش بالنور قال إلهی و سیدی هل خلقت خلقاً هو أكرم علیک منی فقال یا آدم لو لا هذه الأسماء

لما خلقت سماء مبینة و لا أرضاً مدحیة و لا ملكاً مقرباً و لا نبیاً مرسلأ و لا خلقتک یا آدم (فتال نیشابوری، روضة الواعظین: ۸۳؛ مجلسی، پیشین: ۲۳/۳۵)؛ وقتی پدرم حضرت آدم نام من و علی و دخترم فاطمه و حسن و حسین و فرزندانم را دید که بر ساق عرش با نور نوشته است، عرض کرد: پروردگار و سرور من، آیا آفریده‌ای را آفریدی که بزرگوارتر و ارجمندتر از من باشد؟ خداوند فرمود: ای آدم، اگر این نامها نبودند، نه آسمان بر پا، نه زمین گسترده، نه فرشته‌ای مقرب و نه پیامبری فرستاده می‌شد و نه تو را می‌آفریدم ای آدم!

در حدیث قدسی خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لولاک لما خلقت الأفلاک (حسینی استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة، ۱۴۰۹: ۴۳۰؛ مجلسی، پیشین: ۱۶/۴۰۵)؛ [ای پیامبر] اگر تو نبودی افلاک را نمی‌آفریدم.

بنابراین، زمین و آسمان و همه افلاک و افلاکیان طفیل هستی ولایت‌اند.

تشبیه امام به ماه

امام رضا علیه السلام در سخنان بلندش می‌فرماید: الإمام البدر المنیر و السراج الزاهر و النور الساطع و النجم الهادی فی غیاب الدجی و أجواز البلدان و القفار و لبحر البحار (کلینی، پیشین: ۱/۱۹۹)؛ امام ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره‌ای راهنما در شدت تاریکیها و رهگذر شهرها و کویرها و گرداب دریاها است (یعنی در زمان جهل و فتنه و سرگردانی مردم).

اهمیت ماه در قرآن

خداوند به دلیل اهمیت دادن به ماه، سه بار در قرآن به آن سوگند یاد می‌کند:

۱. کَلَّا وَالْقَمَرَ (مدثر: ۳۲)؛ نه چنین است [که می‌پندارند!] سوگند به ماه.

۲. فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّقِّقِ (انشقاق: ۱۶)؛ سوگند به ماه چون [بدر] تمام شود.
۳. و القمر إذا تلاها (شمس: ۲)؛ سوگند به مه چون پی [خورشید] رود.

نقش ماه در نظام هستی

همان‌گونه که خورشید در نظام هستی نقش بسیار مهم دارد، نقش ماه نیز در نظام هستی و در زندگی انسان انکارناپذیر است. امام صادق علیه السلام به مفضل می‌فرماید:

استدلّ بالقمر ففیه دلالة جلیلة تستعملها العامة فی معرفة الشهور ... فکّر فی إنارته فی ظلمة اللیل و الإرب فی ذلك فإنه مع الحاجة إلى الظلمة لهدء الحيوان و برد الهواء علی النبات لم یکن صلاح فی أن یكون اللیل ظلمةً داجيةً لا ضیاء فیها فلا یمكن فیہ شیء من العمل لأنه ریباً احتاج الناس إلى العمل باللیل لضیق الوقت علیهم فی تقصی الأعمال بالنهار أو لشدة الحرّ و إفراطه فیعمل فی ضوء القمر أعمالاً شتی کحرث الأرض و ضرب اللین و قطع الخشب و ما أشبه ذلك فجعل ضوء القمر معونةً للناس علی معایشهم إذا احتاجوا إلى ذلك و أنساً للسائرین و جعل طلوعه فی بعض اللیل دون بعض و نقص مع ذلك من نور الشمس و ضیائها لکیلا تنبسط الناس فی العمل انبساطهم بالنهار و یمتنعوا من الهدء و القرار فیهلكهم ذلك (امام صادق علیه السلام، توحید المفضل: ۱۳۱)؛ ماه را دلیل بیاور که سود کلانی دارد، و عموم آن را در شمار ماه‌ها به‌کار برند ... بیندیش که ماه در شب پرتو افکن است و بدان نیاز است، زیرا با وجود نیاز به تاریکی و آسودگی جانداران و خنک شدن گیاهان، صلاح نبود که شب ظلمت محض باشد بی‌نور، و هیچ‌کار در آن نتوان کرد. زیرا بسا مردم نیاز به‌کار شب دارند برای تنگ شدن وقت کارشان در روز یا در سختی گرما و در پرتو ماه کارهای چندی می‌نمایند، چون شخم زمین، خشت زدن، چوب بریدن و مانند آنها.

پرتو ماه کمک مردم است در زندگی آنها به هنگام نیاز و انس مسافران است و طلوعش را در پاره‌ای از شب مقرر کرد، و نورش را از نور خورشید کاست تا مردم مانند روز به کار نپردازند، و از آسایش خود باز شوند، و هلاک گردند (کمره‌ای، آسمان و جهان ۱۳۵۱: ۲/ ۱۵۴).

نقش ماه در زندگی انسان

۱. وسیله محاسبات در زندگی. خداوند نقش ماه در زندگی انسان را برجسته می‌داند، زیرا اگر ماه نبود، انسان نمی‌توانست حساب درستی داشته و حرکت منظم ماه در اطراف زمین سبب شده است که انسانها حساب دقیق داشته باشند و کارهای خویش را بر اساس برنامه‌ها تنظیم کنند. از این رو، خداوند در قرآن این مسئله را چنین یادآوری فرموده است:

هو الَّذی جعل الشمس ضیاءً و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب ما خلق الله ذلك إلا بالحق یفصل الآيات لقوم یعلمون (یونس: ۵)؛ اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد، و برای آن منزلهایی معین کرد تا شماره سالها و حساب را بدانید. خدا اینها را جز به حق نیافریده است. نشانه‌ها [ی خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کند.

۲. وسیله آرامبخشی و راهیابی. ماه در زندگی انسان به خصوص در زندگی صحرائشینان نقش بسیار دارد، زیرا روشنی قمر به یافتن راهها در بیابان، در شهر و صحراها کمک می‌کند. خواب راحت انسان و بسیاری از جانداران با نور ملایم ماه سازگار است. فروغ ماه مانند نور خورشید در رشد میوه‌ها و گیاهان تاثیر فراوان دارد. از فواید و منافع دیگر ماه، جزر و مد دریاهاست که بر اثر طلوع و غروب ماه پدید می‌آید و زمینهای وسیع را آبیاری می‌کند (غدیری، آیات الكون و اسرار الطبيعة فی القرآن الکریم ۱۴۲۵: ۱۳ - ۱۷۴).

۳. وسیله تشخیص خسوف و کسوف. بر اثر گردش منظم ماه و زمین است که حتی دانشمندان توان یافته‌اند تا کسوف و خسوف را به دقت پیش‌بینی کنند. افزون بر آنچه گفته شد، ماه نقشهای فراوان در زندگی انسان و موجودات دیگر دارد. وجه شباهت امام به ماه. چون که انسانها تا حدودی می‌توانند اهمیت و آثار ماه را در زندگی‌شان درک کنند، امام رضا علیه السلام می‌فرماید: نقش امام در زندگی همچون نقش ماه است. اگرچه با چشم ظاهر نمی‌توان نقش امام و ولی را دید، اما اگر آنها نباشند، زندگی انسان بی‌حساب می‌شود و انسان در دل تاریکیها نمی‌تواند راه بییماید. همان‌گونه که ماه از خورشید کسب فیض می‌کند و برای انسان روشنایی می‌دهد، امام نیز واسطه‌ای در فیض الهی است که احادیثش در ادامه خواهد آمد.

تشبیه امام به آب گوارا

در سخن امام رضا علیه السلام همان‌گونه که امام به ماه و خورشید تشبیه شده به آب گوارایی نیز تشبیه شده است که هم لذت زندگی با آن است و هم منشأ حیات است. اگر آب نباشد، انسان در مدت کوتاهی جان خویش را از دست می‌دهد. اگر امام هم نباشد، انسانها و موجودات نابود می‌گردند. همان‌گونه که گفته‌اند، امام در غیبت خویش نیز مانند خورشید و رای ابر است که دیده نمی‌شود، ولی از انرژی و برکات آن بهره‌مند می‌شویم. از این رو، امام رضا علیه السلام فرمود:

الإمام الماء العذب على الظمِّ والدال على الهدى والمنجى من الردى

(کلینی، همان: ۱/ ۱۹۸)؛ امام آب گوارایی برای تشنگی است، راهنما و

رهبر به حق و راستی است و نجات‌بخش از نابودی است.

از آنجا که امام به آب گوارا تشبیه شده است، اول باید دید آب چه اهمیتی در زندگی دارد؛ آنگاه روشن می‌شود که نقش امام در زندگی و هستی چگونه است.

اهمیت آب در نظام هستی

وسیله زندگی. به خاطر آب است که همه موجودات زنده‌اند؛ قرآن می‌فرماید:

أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا
مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (انبیاء: ۳۰)؛ آیا کسانی که کفر
ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما
آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید
آوردیم؟ آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند؟

خداوند در این آیه کریمه می‌فرماید: ما هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم.
وقتی به زندگی انسان و حیوان می‌نگریم، اهمیت این گفته روشن می‌شود، زیرا
درصد بیشتری از بدن انسان و جانداران را آب تشکیل می‌دهد. چنان‌که گفته‌اند:

شصت و یک درصد (۶۱٪) بدن انسان را آب تشکیل می‌دهد یعنی
اگر شما ۴۵ کیلو وزن داشته باشید ۲۷/۵ کیلو گرم آن آب است. بدن
بسیاری از جانداران و گیاهان نیز آب فراوان دارد (محمودی، آب و
بهداشت در اسلام، ۱۳۷۰: ۲۰).

انسان ممکن است بدون غذا روزها زنده بماند، حتی انسانهایی بوده‌اند که تا
چهل روز بدون غذا به سر برده‌اند و از طریق آب درمانی بسیاری از بیماریها را
درمان کرده‌اند (سوفورین، آب درمانی ۱۳۷۷). ولی بدون آب احتمال دارد که انسان
بعد از سه روز جان خود را از دست بدهد (محمودی، همان: ۲۰).

وجه شباهت امام به آب. آب سبب زیبایی جهان است و اگر گل و گیاه نبود،
زندگی نازیبا و بی‌روح بود. امام رضا علیه السلام، امام را به آب گوارا تشبیه می‌نمایند،
زیرا همان‌گونه که اگر آب نباشد انسان نمی‌تواند زنده بماند، اگر امام نباشد، روح
انسانها خواهد مرد و زندگی از جهان رخت بر خواهد بست و زندگی انسان زیبا
نخواهد بود. از این رو، در روایات دیگری نیز امام سبب بقای هستی و غایت آن و
سبب حیات در عالم به حساب آمده است که در ادامه برخی از این موارد را

بررسی خواهیم کرد.

دلایل و وجوه تشبیه

انسان موجود کمال گراست و رفتن به سوی کمال نیز راهنما می‌خواهد. خداوند راهنمایی به نام عقل را در درون انسان قرار داده است و راهنمایان دیگری را از جنس بشر برگزیده است. اینکه در سخنان امام رضا علیه السلام، امام گاهی به خورشید، گاهی به ماه و گاهی به آب گوارا تشبیه گردیده است، دلایل و علل فراوانی دارد که این علل و عوامل را عقل درک می‌کند، زیرا انسان نیازمند هدایت است که بدون انسان کامل امکان‌پذیر نیست و اگر انسان کامل نباشد، انسانها به بیراهه می‌روند و به هدف نمی‌رسند. از این رو، در برخی از روایاتی که از باطن حقایق خبر می‌دهند، می‌فرماید: اگر امام و ولی خدا نباشد، خداوند منان پرستش نمی‌شود. وقتی پرستش و معرفت خدا در میان نباشد، فلسفه خلقت، که پرستش و شناخت خالق است^(۲) تحقق نمی‌پذیرد. اگر انسانها از این فلسفه دور شوند، دیگر زیستشان بی‌هدف است و حتی مرگشان بر زندگی برتری دارد. جهان هدفدار است و انسان نیز - که گل سر سبد مخلوقات است. - هدفمند آفریده شده است و تنها هدف از خلقتش لذت‌جویی نیست، بلکه انسان مسئول است که هم خود در مسیر کمال حرکت کند و هم نسلی را پدید آورد که در مسیر حق تعالی قرار بگیرند. از این رو، خداوند امام و ولی را فرستاده است تا راه کمال را به بشر نشان دهند. اگر انسانها سرپیچی کنند، خود گرفتار عذاب می‌شوند، زیرا مانند شناگر بر خلاف جریان آب، در مسیر خلاف جهت حرکت می‌کنند و چنین حرکتی جز نابودی در پی ندارد. همان گونه که وقتی نوح پیامبر بعد از سالها رنج و زحمت از هدایت قومش ناامید می‌گردد، دست به دعا بر می‌دارد و نابودی آنها را می‌خواهد. قرآن داستان را چنین حکایت می‌کند:

و قال نوحُ ربِّ لا تذرْ علی الأرض من الكافرین دياراً اِنَّکَ ان تذرهم یضلّوا

عبادک و لا یلدوا الا فاجراً کفّاراً (نوح: ۲۶ - ۲۷)؛ نوح گفت: پروردگارا،

هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار، چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری، بندگانت را گمراه می کنی و جز پلیدکار ناسپاس نزاینی.

در این آیات، حضرت نوح علیه السلام، از خداوند نابودی کافران را می خواهد و این دلیل را ذکر می کند که آنان نسلی را به وجود نمی آورند که در مسیر خداوند قرار بگیرد، بلکه بندگان خدا را نیز گمراه می سازند.

اگر امام و ولی نباشد، این فلسفه فراموش می شود. خداوند امام و ولی را برای اتمام حجت فرستاده است تا انسان به این هدف مقدس برسد. وقتی این هدف فراموش گشت و مسیر عوض شد، انسانها مانند اقوامی چون قوم نوح، قوم لوط و... نابود خواهند گشت. پس بدون امام زندگی معنا ندارد، زیرا زندگی از مسیر اصلی خویش منحرف گشته و مانند اجرام سرگردان با موانع برخورد می کند. از این رو، در ذیل احادیثی را بررسی می کنیم که بقای هستی را به امام بسته و عزت مسلمان را در گرو وجود امام میسر می داند و حتی غایت هستی را امامت و ولایت می شمارد. اگر امام نباشد، همه این موارد یاد شده نیست. همان گونه که اگر خورشید، ماه و آب وجود نداشته باشد، زندگی نخواهد بود.

۱. ولایت، سبب بقای هستی

آنچه در سطور گذشته گفته شد، نمونه ای از فواید خورشید و ماه بود. اگر بخواهیم در یک کلمه خلاصه کنیم، این می شود که زندگی و زمین بدون خورشید و ماه دوام و بقا ندارد. از این رو، دانشمندان پایان عمر موجودات زنده کره زمین را وقتی اعلام کرده اند که پایان زندگی خورشید باشد (نوری همدانی، دانش عصر فضا ۱۳۸۲: ۲۶۴).

امام نیز چونان خورشیدی است که بدون درخشش آن، حیات معنوی و مادی از جهان رخت بر خواهد بست. از این رو، در احادیث فراوان آمده است که معصوم می فرماید اگر امام نباشد، زمین نابود می گردد:

قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام أتبقى الأرض بغير إمام قال لو بقيت الأرض

بغیر امام لساخت (کلینی، پیشین: ۱/ ۱۷۹).

راوی از امام صادق علیه السلام می پرسد: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود: «اگر زمین بدون امام باقی بماند، فرو می رود.» حتی زمین یک لحظه نمی تواند بدون حجت خدا پا بر جا باشد. در حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام آمده است:

قال سألت الرضا علیه السلام فقلت تخلو الأرض من حجة فقال لو خلت الأرض

طرفة عين من حجة لساخت بأهلها (مجلسی، پیشین: ۲۳ / ۲۹)؛ راوی

می گوید از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا زمین از حجت خدا خالی

می شود؟ فرمودند اگر به اندازه یک چشم به هم زدن زمین از حجت

خدا خالی شود، زمین اهلش را در خود فرو می برد.

از این رو، امام سبب بقای هستی است که اگر امام نباشد، نظام هستی فرو خواهد

ریخت و جهان نابود خواهد شد؛ اگرچه این را بسیاری نمی دانند و آگاه نیستند.

۲. امامت سبب عزت مسلمانان

امام رضا علیه السلام در وصف امام می فرماید: امام و ولی سبب عزت مسلمانان است یعنی

اگر امام نباشد، مسلمانان عزت نخواهند داشت. در طول تاریخ دیده ایم که وقتی مردم

از امامت و ولایت دوری جسته اند، یا امثال بنی امیه بر مردم حاکم شده اند و یا مانند

بنی عباس. در عصر حاضر نیز حکومت بدون امامت و ولایت یا از گریبان طالبانیسم و

القاعده سر در می آورد یا حکومت دیکتاتوری به وجود می آورد. از این رو، تنها عزت

مسلمانان در سایه امامت و ولایت میسر می گردد که نمونه آن را در لبنان و جمهوری

اسلامی ایران مشاهده می کنیم. از این رو، امام رضا علیه السلام می فرماید:

الإمام المطهر من الذنوب و المبرأ عن العيوب المخصوص بالعلم الموسوم

بالحلم نظام الدین و عز المسلمین و غیظ المنافقین (المارقین) و بوار

الكافرين (کلینی، پیشین: ۱ / ۲۰۰؛ طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج

۴۰۳ق: ۲/ ۴۳۵)؛ امام از گناهان پاک و از عیبها به دور است، به دانش مخصوص و به خویشترداری نشانه‌دار است، موجب نظام دین و عزت مسلمانان و خشم منافقان (بیرون روندگان از دایره امامت) و هلاک کافران است.

حضرت در جای دیگری از همان حدیث می‌فرماید:

إِنَّ الْإِمَامَةَ زَمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ
(کلینی، پیشین: ۱/ ۲۰۰)؛ همانا امامت زمام دین و مایه نظام مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است.

همان‌گونه که در تعریف امامت گذشت، امامت نه تنها ریاست دینی است، بلکه امام ریاست دنیوی را نیز به عهده دارد. اگر امام نباشد، دنیای انسانها نیز سامان نمی‌گیرد. چنان‌که می‌بینیم، امروزه مسلمانان در جهان، ذلیلانه زندگی می‌کنند و در بسیاری از سرزمینهای اسلامی، دشمنان اسلام دست بالا دارند و مسلط‌اند. ولی متأسفانه ملت‌های مسلمان به تعبیر علامه اقبال، بار دوش جهانیان شده‌اند^(۳) و این بار دوش بودن ادامه خواهد داشت تا آنگاه که مسلمانان به امامت و ولایت باز گردند. از این‌رو، شاعر چه زیبا خطاب به امیرمؤمنان بیان می‌دارد:

اگر چشم جهان یک‌بار دیگر به روی دیدنت در باز می‌کرد
زمین سامان خود را باز می‌یافت زمان دیگر شدن آغاز می‌کرد

همان‌گونه که انسانها در عصر جاهلی با نور پیامبر صلی الله علیه و آله از تاریکی جهل و بت‌پرستی نجات یافتند، جهان تشنه عدالت امروز نیز با وجود امام و امامت سامان خواهد یافت و همه گرفتاریهای ما حل خواهد شد. در دعای افتتاح چنین می‌خوانیم:

اللهم! وصل علی ولی أمرک القائم المؤمل والعدل المنتظر... اللهم المم به
شعثنا و اشعب به صدعنا و ارتق به فتننا و کثر به قلتنا و أعز به ذلتنا و أغن
به عائلنا و اقض به عن مغرنا و اجبر به فقرنا و سد به خلتنا و یسر به
عسرنا و بیض به وجوهنا و فک به أسرنا و أنجح به طلبتنا و أنجز به

مواعیدنا و استجب به دعوتنا وأعطنا به فوق رغبتنا یا خیر المسؤلین
وأوسع المعطین اشف به صدورنا وأذهب به غیظ قلوبنا واهدنا به لما
اختلف فيه من الحق بإذنک إنک تهدی من تشاء إلى صراط مستقیم، و
انصرنا علی عدوک و عدونا إله الحق آمین (طوسی، مصباح المتہجد
۱۴۱۱: ۵۸۲)؛ خدایا، درود فرست بر ولی امرت قیام کننده امید بخش و
عدل مورد انتظار... خدایا به وسیله او پیوند بده پراکندگی ما را، و پرکن
شکافهای بین ما را، و افزایش ده به وسیله او کاستیهای ما را، و عزت بده
به وسیله او خواریهای ما را، و بی نیاز کن به وسیله او اهل و عیال ما را،
و ادا کن به وسیله او قرضهای ما را، و جبران کن به وسیله او فقر ما را،
و محکم کن به وسیله او سستیهای ما را، و آسان کن به وسیله او
سختیهای ما را، و سفید کن به وسیله او چهره‌های ما را، و آزاد کن به
وسیله او اسرای ما را، و پیروز کن به وسیله او طالبان ما را، و قطعی کن
به وسیله او وعده‌های ما را، و اجابت کن به وسیله او دعوتهای ما را، و
ارزانی دار به وسیله او برتر از میل ما را، ای برترین امیدها و ای
وسیع ترین بخشندگان، شفا ده به وسیله او سینه‌های ما را و التیام بخش
به وسیله او دل‌های شکسته ما را، و به وسیله او ما را در راه حق هدایت
کن، زیرا تو کسی را که بخواهی به راه راست هدایت می‌کنی و یاری
کن ما را بر دشمن خود و دشمن ما ای پروردگار حق، آمین!

با وجود امامت و ولایت است که عزت مسلمانان حفظ می‌شود، زیرا عزت در
سایه ایمان واقعی به دست می‌آید. قرآن می‌فرماید:

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (منافقون: ۸)؛
عزت از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است. ولی منافقان نمی‌دانند.

پاسدار ایمان و مدافع حریم الهی امام است. همان‌گونه که امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

الإمام أمين الله في خلقه و حجته على عباده و خليفته في بلاده و الداعي
إلى الله و الذاب عن حرم الله (کلینی، پیشین: ۱ / ۲۰۰)؛ امام امین خداوند

است در میان خلقش و حجت اوست بر بندگان و خلیفه اوست در بلادش و دعوت کننده به سوی او و دفاع کننده از حقوق اوست. هر که از امامت دوری جوید هلاک خواهد شد:

الإمام النَّار على اليفاع الحارّ لمن اصطلى به و الدليل فى المهالك من فارقه فهالك (کلینی، پیشین)؛ امام چون آتشی است برای سرمازدگان و دلیلی است در تاریکیها که هر که از آن جدا شود هلاک گردد.

۳. ولایت، غایت هستی

هر چیزی هدف و غایتی دارد. اگر علت غایی نباشد، معلول نیز به وجود نخواهد آمد. امام غایت هستی است و بدون غایت هستی به اندازه یک چشم به هم زدن، پایدار نمی ماند. این نکته را احادیث فراوان تأیید می کنند:

عمرو بن ثابت عن أبيه عن أبي جعفر عليه السلام قال سمعته يقول: لو بقيت الأرض يوماً بلا إمام منّا لساخت بأهلها و لعذبهم الله بأشدّ عذابه إن الله تبارك و تعالی جعلنا حجةً فى أرضه و أماناً فى الأرض لأهل الأرض لن يزالوا فى أمان من أن تسيخ بهم الأرض ما دمتنا بين أظهرهم و إذا أراد الله أن يهلكهم و لا يمهلهم و لا ينظرهم ذهب بنا من بينهم و رفعنا الله ثمّ يفعل الله ما يشاء و أحبّ (مجلسی، پیشین: ۳۷ / ۲۳)؛ عمرو بن ثابت از پدرش و او از امام باقر عليه السلام روایت می کند که فرمود: اگر یک روز زمین بدون امامی از ما خاندان باشد، اهلس را در خود فرو می برد، و خداوند در آن روز زمینیان را گرفتار سخت ترین عذاب می کند. خداوند ما را در زمین حجت و امان برای اهل آن قرار داده است. تا هنگامی که ما در میانشان هستیم، اهل زمین از فرو رفتن در زمین در امان خواهند بود. وقتی که خداوند بخواهد هلاکشان کند و آنان را مهلت ندهد، ما را از میانشان بالا می برد، آنگاه انجام می دهد آنچه را که می خواهد و دوست دارد.

با توجه به همین نکات است که امام رضا علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْإِمَامَةَ زَمَامَ الدِّينِ وَنِظَامَ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحَ الدُّنْيَا وَعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ
الْإِمَامَةَ أَسَّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَفِرْعَهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَ
الصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ وَتَوْفِيرِ الْفِسْءِ وَالصَّدَقَاتِ وَإِمْضَاءِ الْحُدُودِ وَ
الْأَحْكَامِ وَمَنْعِ الثَّغُورِ وَالْأَطْرَافِ (كليني، پیشین: ۱ / ۱۹۸)؛ به یقین
امامت مهار دین، نظام مسلمانان، صلاح دنیا و عزت مؤمنان است و به
یقین امامت بنیان و شالوده اسلام در حال رشد و شاخ بلند آن است. به
سبب امام است که نماز، روزه، زکات، حج و جهاد بر پا می شود، غنائم
و صدقات فراوان می گردد و احکام و حدود به امضا می رسد و از
مرزها و قلمرو سرزمین اسلامی دفاع می شود.

۴. امامت سبب کمال دین

به گفته بسیاری از مفسران شیعه و سنی، در ذیل آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ
أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳)، مراد از «اليوم» روز غدیر
است که در آن روز، حضرت امام علی علیه السلام به ولایت برگزیده شد، و خداوند آن
روز را سبب کمال دین معرفی می فرماید. از آیه معلوم می شود که پیش از آن با همه
زحمات پیامبر و جانفشانی و فداکاری مسلمانان صدر اسلام، دین به کمال نرسیده
بوده است و تنها پس از معرفی امامت و ولایت است که خداوند کمال دین و تمام
شدن نعمت را نوید می دهد.

این احادیث از طریق راویان فراوان اهل سنت نقل شده است که علمای شیعه
مانند علامه طباطبایی، علامه شرف الدین و دیگران آن را گرد آورده اند (شرف الدین
موسوی، المراجعات ۱۴۰۲: ۹۱؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: / ۳۱۰).

امامت مایه کمال دین و تمام نعمت است، زیرا بدون امامت انسان در میان همه
نعمتها سر در گم و متحیر به سر می برد. از این رو، امام رضا علیه السلام نیز می فرماید:


إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسَّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَفِرْعَهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَامَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ وَتَوْفِيرِ الْفِسْءِ وَالصَّدَقَاتِ وَإِمْضَاءِ الْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَمَنْعِ التَّغْوَرِ وَالْأَطْرَافِ الْإِمَامَ يَحِلُّ حَلَالُ اللَّهِ وَيَحْرَمُ حَرَامُ اللَّهِ وَيَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَيَذَبُّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَيَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَالْحِجَّةِ الْبَالِغَةِ (كليني، پیشین: ۱/ ۲۰۰)؛ امامت بنیاد پاک اسلام و شاخه با برکت آن است. به وسیله امامت نماز و روزه و زکات و حج و جهاد درست می‌شوند، غنیمت و صدقات بسیار می‌گردند، حدود و احکام اجرا می‌شوند، مرزها و نواحی کشور مصون می‌شوند. امام حلال و حرام خدا را بیان می‌کند و حدود خدا را بر پا می‌دارد و از دین خدا دفاع می‌کند و با حکمت و پند نیک و دلیل رسا به راه خدا دعوت می‌نماید.»

نتیجه

از بررسی‌های فوق می‌توان به این نتیجه دست یافت که امام چونان خورشیدی تابان می‌درخشد که اگر یک ساعت و یک لحظه در زمین حضور نداشته باشد، زمین اهلش را در خود فرو خواهد برد. امام چنان ماه درخشانی است که در زندگی انسانها نظم را به ارمغان می‌آورد و نیز مانند آب گوارایی است که بقای زندگی و لذت آن در گرو امامت است. امام مایه عزت مسلمانان و مؤمنان است و امور دین و دنیا با امامت سامان می‌یابد. از این رو، جایگاه امامت و ولایت در نظام هستی جایگاه علت غایی است که همه موجودات برای آن آفریده شده‌اند. بدون ولایت، زمین و آسمان بقا نخواهد داشت. به همین جهت، در کلام امام رضا علیه السلام نیز امام به خورشید تشبیه شده است که سبب بقای موجودات روی زمین و بسیاری از کرات دیگر است. امام مانند نقطه پرگاری است که هستی بر مدارش می‌چرخد و همه هستی طفیل وجود امام است. امام است که مثل خورشید، زمین و زمان را از لوث میکروبه‌ها و آلودگیها پاک می‌کند و انسان را در مسیر انسانی زیستن و کمال هدایت می‌کند.

پی نوشتها

- (۱). خداوند درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا بقره: ۱۲۴)؛ چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم.»
- (۲). خداوند می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات: ۵۶)؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند.»
- (۳). علامه اقبال می گوید: «بیا نقش دگر ملت بریزم / که این ملت جهان را بار دوش است» (لاهوری، کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری ۱۳۶۶: ۴۳۶).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

۱. قرآن مجید، ترجمه فولادوند.
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. امام صادق علیه السلام، توحيد المفضل، قم، نشر داورى، [بى تا].
۴. امينى، عبدالحسين، الغدير، بيروت، دار الكتاب العربى، ۱۳۹۷ق.
۵. جوادى آملی، عبدالله، تبیین براهین اثبات خدا، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۵.
۶. حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین، تأویل الآيات الظاهرة، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۷. خدا دوستان، ویدا، انرژی خورشید، برگرفته از سایت «ایرانیکا پایگاه اطلاعات و دانستنی‌های علمی»، از بخش مقالات علمی، آدرس: WWW.Iranika.ir
۸. دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۷۳.
۹. سعدی، مشرف‌الدین مصلح، کلیات سعدی، نشر طلوع، ۱۳۷۵.
۱۰. سوفورین، آکسی، آب درمانی، م. محمدجعفر امامی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
۱۱. شرف‌الدین موسوی، سید عبد‌الحسین، المراجعات، تحقیق: حسین راضی، بیروت، ۱۴۰۲ق.
۱۲. صداقت، محمد عارف، مهارت‌های زندگی، قم، انتشارات مهر امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۴.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۴. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۵. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن حسن، مصباح‌المجتهد، بیروت، مؤسسه فقه‌الشیعه، ۱۴۱۱ق.
۱۶. غدیری، شیخ عبدالله، آیات‌الکون و اسرار‌الطبیعة فی القرآن‌الکریم، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۱۷. فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله، اللوامع‌الالهیه فی المباحث‌الکلامیه، قم، مرکز

- انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۸. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، قم، انتشارات رضی، [بی تا].
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۰. کمره‌ای، محمد باقر، آسمان و جهان (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار)، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۱.
۲۱. کمره‌ای، محمد باقر، اصول کافی ترجمه کمره‌ای، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۷۵.
۲۲. لاهوری، اقبال، کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۶۶.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. محمودی، عباسعلی، آب و بهداشت در اسلام، تهران، دفتر تحقیق و نشر بهاران، ۱۳۷۰.
۲۵. مکارم شیرازی و گروهی از دانشمندان، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸.
۲۶. مولوی بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۷۴.
۲۷. نوری همدانی، حسین، دانش عصر فضا، قم، انتشارات مهدی موعود، ۱۳۸۲.
۲۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البتین، ۱۴۰۸ ق.